پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین
مدیرمسئول: عادله بهرامی
سردبیر: مریم جواهران
صفحه آرایی و گرافیک: محمد (فرقانی) مقدمی

چاپ: موسسه ایران چاپ
آدرس: قزوین، خیابان آیت‌الله کاشانی (باغ میرا)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.
شماره تماس: ۳۳۳۱۱۴۴۱ نمابر: ۳۳۳۱۱۴۴۲
وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com
استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

سه شنبه اول مهر ۱۳۹۹ | ۴ صفر ۱۴۴۲ | شماره ۲۵۹

امام علی علیه السلام می فرماید:
نماز ائمه و دژ محکمی است که نمازگزار را از حملات شیطان نگاه می دارد.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۱۷۵، ح ۳۳۴۳

آیا نماز خواندن بر سجاده ای که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است، کراهت دارد؟

فی نفسه اشکال ندارد. ولی اگر به گونه ای باشد که بهانه به دست کسانی دهد که نهمت به شیعه می زنند، نوایند آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست و همچنین اگر موجب تفرق حواس و از بین رفتن حضور قلب در نماز شود، کراهت دارد.

فرهنگی ورزشی

درافشانی، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین خبر داد:

اجرای برنامه‌های متنوع هفته گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس در قزوین

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین از برگزاری دهها برنامه فرهنگی به مناسبت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس توسط شهرداری قزوین خبر داد و گفت: به علت شیوع ویروس کرونا در قزوین اکثر برنامه‌ها در فضای مجازی برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ محمد درافشانی گفت: فضای مجازی فرصت مغتنمی برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و انتقال مفاهیم و فرهنگ ایثار و شهادت به مردم به ویژه نسل جوان است و باید از این فرصت برای تبیین جایگاه و اهمیت دفاع مقدس بهره‌برداری کرد.

وی تجلیل از ایثارگران و رزمندگان شاغل در شهرداری قزوین را در ایام بزرگداشت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی از جمله برنامه های سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین ذکر کرد.

درافشانی از برگزاری مسابقه ورزشی درالی خانواده؛ ویژه خانواده آتش‌نشانان با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی به مناسبت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس و روز آتش‌نشانی و ایمنی خبر داد و گفت: این مسابقه پنج مهر ماه سال جاری با همکاری سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری برگزار می شود.

این مسئول برگزاری مسابقه خوشنویسی «خط شکن» را از دیگر برنامه هایی عنوان کرد که در چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس برگزار می شود.

وی در ادامه از برگزاری برنامه های مختلف فرهنگی در فرهنگسراها و خانه های فرهنگ با موضوعات مختلف خبر داد و گفت: این برنامه‌ها در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و افزایش شناخت و درک هرچه بیشتر نسل جوان با دلاوری ها و رشادت های رزمندگان به اجرا گذاشته می شود.

درافشانی، برگزاری مراسم شب شعر مجازی با عنوان «غزل سرخ» را از جمله این برنامه ها ذکر کرد و گفت: این ویژه برنامه پنجم مهر ماه سال جاری توسط خانه فرهنگ شهید تواب صفوی برگزار می شود.

این مسئول از دیگر برنامه های سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری را به مناسبت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس؛ برگزاری نمایشگاه عکس مجازی با عنوان «لحظه های فراموش نشدنی» عنوان کرد که دوم مهرماه سال جاری توسط فرهنگسرا شهید رجایی برگزار می‌شود.

وی افزود: همچنین مسابقه نقاشی «پلاک عاشقی» ویژه کودکان در ایام بزرگداشت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس در سطح خانه های فرهنگ و فرهنگسراهای سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری برگزار می شود.

درافشانی خاطرنشان کرد: از دیگر برنامه‌های چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس می توان به اجرای ویژه برنامه «دفاع ناب» با موضوع معرفی روزانه کتاب به صورت صوتی در فضای مجازی با هدف آشنایی جوانان و نوجوانان با حماسه های هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد.

معاون شهردار از فضاسازی و تبلیغات شهری با محوریت ایثار و شهادت خبر داد و گفت: تبلیغات محیطی یکی از راه های موثر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت است و این اقدام همه ساله انجام می شود.

وی افزود: با توجه به فرارسیدن چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس و اهمیت زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای هشت سال دفاع مقدس، سطح شهر قزوین با حال و هوای این ایام فضاسازی می شود.

وی در پایان از مشارکت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری در برنامه های دستگاه های دولتی و سازمان های مردم نهاد جهت برگزاری هر چه با شکوه چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس خبر داد.

گپ

گپی با داود بهرا، بازیگر سینما و تئاتر:

حاجی فیروز جسارتم را زیاد کرد

ما همیشه مسیر زندگی مان را با عقل و درایت انتخاب نمی کنیم. گاهی اوقات یک اتفاق ساده و تصادفی ما را به جایی می برد که فکرش را نمی کردیم. بعد همان اتفاق می شود مسیر اصلی زندگی مان.
داود بهرا که بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر است با اتفاقی ساده در نوجوانی در مسیر کار هنری قرار می گیرد. خیلی ها او را با شخصیت «حاجی فیروز» می شناسند. همان شخصیت سیاه با لباس قرمز که هنگام نوروز هر سال در برنامه های فرهنگی شهر دیده می شود.

گل اندام صفری

● چطور شد سر از وادی هنر درآوردی؟

نوجوان که بودم، مثل خیلی از پسرها فوتبال بازی می کردم؛ دلم می خواست بعد از اینکه گل می زنم حرکت شادی چرخ و فلک بزنم و بلند بروم. دوستم که ورزش ووشو کار می کرد گفت همراه من به تمریناتم بیا تا یاد بگیری. من رفتم و کم کم به ورزش ووشو علاقه مند شدم و بیشتر برایش وقت گذاشتم تا ورزش اصلی ام شد. در کنار آن دوستانم برایم فیلم‌های رزمی می آوردند و اینگونه من به فیلم هم علاقه مند شدم. تا اینکه اطلاعیه کلاس بازیگری را در مدرسه دیدم و آنقدر مشتاق بودم که صبح زود روز بعد به آدرس انجمن نمایش استان رفتم و کلاس بازیگری ثبت نام کردم و ادامه دادم. البته از کودکی در خانه ما نمایش تعزیه بسیار مورد علاقه بود و خیلی وقت ها پدر و برادرم دیالوگ هایش را در خانه تکرار می کردند که در علاقه ام به هنر و داستان پردازی بی تاثیر نبوده است.

● ورزش و هنر را چطور به هم مرتبط کردی؟

من همزمان هم به ورزش و مربیگری در ووشو پرداختم و هم به بازیگری در تئاتر و سینما. سبکی در ووشو هست که به نمایش های میدانی ارتباط دارد؛ چیزی شبیه هنر پرفورمنس؛ من هم که بازیگری تئاتر یاد گرفته بودم و از طرفی چند سال ووشو کار کرده بودم؛ ورزش های رزمی را به شکل میدانی و نمایشی و روایت داستان اجرا می کردم. اولین نمایش خیابانی را در سال ۹۱ در پارک ملت قزوین اجرا کردم.

● استقبال مردم چطور بود؟

جمعیت زیادی جمع می شدند و علاقه مند به دیدن نمایش بودند. حتی خیلی از نوجوانان با دیدن این نمایش‌های خیابانی رزمی به سمت ورزش ووشو آمدند و ادامه دادند.

● ووشو چه تاثیری روی شخصیت گذاشت؟

درون مایه ورزش رزمی جوانمردی است و آن را آموزش می دهد. از طرفی در این ورزش تو ظاهرا جنگجو هستی؛ اما از درون در مسیر یاد گرفتن و رشد فرار می گیری.

● سینما چطور به کارت اضافه شد؟

من چون بازیگری یاد گرفته بودم کم کم در چند فیلم کوتاه بازی کردم و جلوتر که رفتم دو فیلم با همان مضمون و فضای ورزش رزمی با نام های «برنده یا قهرمان» را در سال ۹۰ و «آزمون طلایی» را در سال ۹۲ ساختم.

● تو را با عنوان حاجی فیروز قزوین هم می شناسند. این شخصیت چگونه در مسیر زندگی ات قرار گرفت؟

خیلی اتفاقی بود. کسی که هر سال نقش حاجی فیروز را اجرا می کرد؛ یک سال نتوانست این نقش را بازی کند و چون من بازیگری آموخته بودم به من پیشنهاد اجرایش را داد.

برخورد مردم با شخصیت حاجی فیروز چطور بود؟

این شخصیت را دوست داشتند؛ اما در ابتدا بیشتر نگاه یک دلقک را به او داشتند. روایت های مختلف در خصوص این شخصیت برای گردشگران خارجی هم بسیار جذاب است. من تمام آثار و بناهای قزوین را با حاجی فیروز به گردشگران معرفی می کردم. برای آنها نمایش های تخت حوضی که به نمایش دلارته در اروپا نزدیک است، جذاب و دیدنی است.

در سفری هم که به چین برای معرفی هنر ایرانی داشتم با حاجی فیروز به صورت استندآپ کمدی برخی نمایش‌ها را اجرا کردم. همچنین عروسک مبارک را نیز به آنها معرفی کردم و آنها با شور و شوق زیادی استقبال کردند.

● خودت چطور با حاجی فیروز خو گرفتی؟

من سعی کردم سطح حاجی فیروز را در فضای هنری رسمی تر کنم و به او کلاس و پرستیژ کاری بدهم. الان حاجی فیروز را یک دلقک نمی شناسند و به عنوان یک هنرمند نمایشی قلمدادش می کنند. این شخصیت آنقدر جذاب و مشهور شد که سال ۹۴ از شبکه مستند آمدند و فیلمی درباره حاجی فیروز و زندگی من ساختند.

حاجی فیروز جسارتم را زیاد کرد و به من قدرت ریسک پذیری داد.

● در حال حاضر مشغول چه کاری هستی؟

در حال حاضر سعی می کنم بیشتر برای بازیگری در کارهای حرفه ای وقت بگذارم. اخیرا نقشی کوتاه در سریال «برف بی صدا می بارد» داشتم و می خواهم روی بازیگری سینما تمرکز بیشتری بگذارم چون به بازیگری خیلی علاقه مند هستم.

یک اثر یک تجربه

آشوب هفت سالگی

هفت سال پیش در یکی از کلاسهای آموزشی با سامان و مادربزرگ او آشنا شدم. این آشنایی بعدها به رابطه ای نزدیک و رفت و آمد های دوساله بدل شد. در این رفت و آمدها متوجه تلاشهای پروین برای بهبود شرایط سامان نوه اوتیسمی اش شده ام و از آنجا که همیشه انسانهای قوی و تلاشگر توجه مرا به خود جلب می کنند با دیدن پروین تصمیم به ساخت مستندی درباره زندگی او و مواجهه او با اختلال اوتیسم شدم.

از آن پس شروع به تحقیق درباره اوتیسم کردم و با اعداد تکان دهنده ای مواجهه شدم که تصمیم مرا برای ساخت این مستند صد چندان کرد؛ اعدادی مانند از هر ۷۰ کودک که به دنیا آمده در دنیا و ۱۵۰ کودک که به دنیا آمده در ایران یک نفر مبتلا به اوتیسم است. این کودکان به دنیا می آیند با آینده ای نامعلوم برای خود و خانواده هایشان، خانواده‌هایی که با آمدن این فرزندان تا مدتهای طولانی در مرحله انکار بیماری به سر می برند و همین انکار بزرگترین ضربه را به فرزندشان می زند یعنی از دست دادن سالهای طلایی ۳ تا ۷ سالگی، سالهایی که با انجام کار درمانی می توانند به بهبود شرایط آنها کمک زیادی کنند تا نتیجه ای مشابه مامان پروین و سامان به دست بیاورند.

مسلما ساخت این فیلم بودجه زیادی را طلب می کرد. متاسفانه تلاش‌های من برای جذب سرمایه از ارگانها و سازمانهای مربوطه بی نتیجه بود. شاید یکی از دلایل این امر را بتوان در نبود روزنامه کاری من به عنوان کارگردان جستجو کرد. در سال ۹۷ اولین مستندم با نام «ازدها خارج می شود» با هزینه شخصی ساخته شد و این بار با رزومه و دستی پُر به سراغ تهیه کنندگان رفتم و خوشبختانه نتیجه مورد نظر حاصل شد.

اوایل شهریورماه امسال با تلاش جانانه تمامی عوامل که علی رغم شرایط و محدودیت های این روزهای جامعه، تمام تلاش خود را در راستای پیشبرد این اثر به کار بردند و همچنین حمایت های مالی تهیه کنندگان اثر، مستند «آشوب هفت سالگی» ساخته شد تا شاید این مستند بتواند کمکی هر چند اندک در بیان مشکلات و شرایط خاص این افراد و روش‌های ارتباط و کمک به کودکان مبتلا به اوتیسم داشته باشد.

بخش زیادی از مستند به‌واسطه سکانسهای بازسازی، به دوره کودکی و هفت سالگی سامان می پردازد و برای به تصویر کشیدن این سکانسها، نیاز به یک کودک هفت ساله بود. انتخاب بازیگر را از یک ماه قبل از پروسه تولید شروع کردیم و کودکی که نزدیکترین چهره و الگوی رفتاری به سامان را داشت، انتخاب شد ولی روز اول فیلمبرداری به دلیل سختی نقش و شرایط خاص فیلمبرداری، با بازیگر کودک دچار مشکل شدیم و ادامه کار با او ممکن نبود. متاسفانه با خوشبختانه مجبور به تغییر بازیگر کودک شدیم.

مخاطب در این مستند واقعیت روزمره زندگی سامان و مادربزرگ را می بیند و زندگی روزمره در برابر دوربین جریان دارد. سعی کردیم با بازسازی گذشته، تلاشهای پروین برای سامان را نشان دهیم تا با نگرانی های پروین همراه شویم و در مسیر راهکارهایی را که او انتخاب می کند دنبال کنیم. همچنین کمک کنیم تا سطح آگاهی خانواده‌ها در شناخت هر چه بیشتر این بیماری بیشتر شود. یکی از نقاط قوت این مستند را می توان تاکید برای استقلال این کودکان برشمرد.

و در آخر امیدوارم انسانیت مادربزرگی که تلاش می کند نوه اوتیسمی اش را از احساق تاریکی به روشنایی بیاورد و او را به زندگی عادی و جامعه برگرداند؛ راه حلی باشد برای زندگی بهتر کودکان اوتیسمی و خانواده های آنها و همچنین تمجید ایثار، گذشت و فداکاری مامان پروین‌ها برای سامان‌ها و قدردانی از انسانهایی که مسئولیت کودکانشان را می پذیرند حتی اگر کودک آنها دچار معلولیت و ناتوانی باشد.

شهر فرهنگ

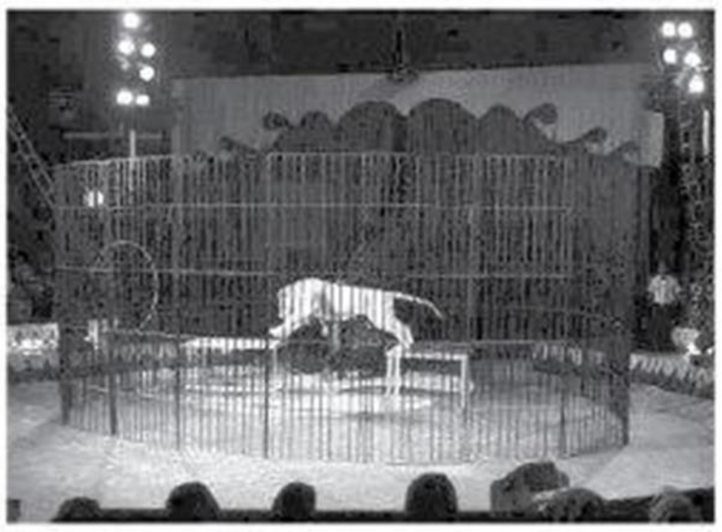

سیرک در قزوین

سیرک نمایشی است سرگرم کننده و هیجان آور که از اروپا وارد ایران شده است. چون این نمایش در محیطی دایره ای شکل به اجرا در می آید نام آن از کلمه circle به معنی دایره گرفته شده است.

سابقه اجرای سیرک در قزوین به دوران سلطنت احمد شاه قاجار باز می گردد. در سال ۱۳۳۳ قمری برابر با اردیبهشت سال ۱۲۹۴ خورشیدی، گروهی فرانسوی به نام شامبی، که برای اجرای برنامه عازم تهران بودند در قزوین نیز به اجرای برنامه پرداختند. بیشتر برنامه‌های آنان شامل بند بازی، شعبده بازی، آکروبات و دیگر برنامه های سرگرم کننده بود.

ورود این سیرک به قزوین با مخالفت برخی از علما و روزنامه نگاران مواجه شد. در آن سالها به علت وقوع انقلاب مشروطیت، آغاز جنگ جهانی اول و تجاوز قوای بیگانه به کشور، وضعیت اقتصادی مردم در شرایط بسیار بدی قرار داشت و اعتراض کنندگان از مردم می خواستند که در این اوضاع ناگوار بیهوده پول خود را هدر ندهند و در جیب بیگانگان نریزند. علاوه بر این چون بیشتر بازیگران این سیرک را زنان تشکیل می دادند، علما و متدینین شهر تماشای آن را غیرشرعی می دانستند. در اعتراض به ورود این سیرک مطلبی در روزنامه رعد به چاپ رسید.

با وجود تذکرات روزنامه رعد عده ای از اعیان و روسای ادارات به دیدن برنامه های این سیرک رفتند. در واکنش به این اقدام مطلب دیگری در روزنامه رعد به شرح زیر به چاپ رسید:

«به مناسبت احساسات اسلام پرستانه، اهالی قزوین به سیرک شامبی نمی روند؛ ولی به جای آنها مسیو اسپلا پیشکار مالیه قزوین و چند نفر از ... به سیرک مذکور رفته اند. البته ایشان به وظیفه تدین خودشان رفتار کرده اند. خوب است مسلمین مواظب تدین خود باشند و قدری هم حرق اسلامیتشان به حرکت درآمده، از حجج اسلام و مجاهدین عظام استفسار کنند، هرگاه اجازه دادند و مطابق با قوانین شرع مطهر نبوی بود، آن وقت حاضر شوند.»

سیرک شامبی پس از اجرای برنامه در قزوین راهی تهران شد و یک سال بعد دوباره به قزوین بازگشت و برنامه های را به اجرا درآورد. عین السلطنه در یادداشت های یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۲۹۵ خورشیدی می نویسد:

«سیرک شامبی که تهران رفته بود، مراجعت کرد و امشب در قزوین بیرون می آید. از قدیم پشت عمارت کارگزاری در خرابه پشت پیغمبریه محلی دارند. با میرزا اسمعیل خان، محمدعلی خان، آقا سید علی، بهمن، ملکه و نوکرها رفتیم. صاحب منصبان روس و سالدات قزاق زیاد بود. چند اسب داشت، ۱۰ سگ، دو نفر هم زن و دختر، انواع بندبازی را نمودند. سگ بازی های غریب کرد. رقص مسخره، همه چیز بود. مسیو ماکس مسخره خوبی بود. حقیقتا مضحکه و بامزه بود.»

عین السلطنه در یادداشت های چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۲۹۵ می نویسد: «عصر باغ رفعت السلطان رفتیم. شب از آنجا سیرک. هر شب بروم، از ظهر نوکرها حاضر خدمتند و مرا رها نمی کنند تا داخل محوطه سیرک بشوند. امشب هم رفتیم. خیلی تماشا داشت. یک زن بندبازی غریبی کرد. روی سیم حرکات عجیبی داشت. سگ حساب می کرد، عدد می شناخت. جمع و تفریق و ضرب و تقسیم می کرد.»

سینما شهر

به بهانه روز ملی سینما

نخستین نمایش فیلم در فضای باز

مهدی نورمحمدی

سابقه نمایش فیلم در قزوین به سال ۱۳۰۷ خورشیدی باز می گردد. شب یک شنبه هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ به امر دکتر ابوالقاسم شیخ نماینده رئیس بلدیه تهران در بلدیه قزوین، چند پرده فیلم صامت در سبزه میدان مقابل عمارت کلاه فرنگی به نمایش درآمد و جمعیت چندهزار نفره‌ای را که تا آن روز هیچ گونه فیلمی مشاهده نکرده بودند به شگفتی واداشت. درباره فیلم به نمایش درآمده و نام و موضوع آن هیچ گونه اطلاعی در دست نیست. این فیلم نخستین فیلمی بود که در قزوین به نمایش درآمد و مردم را با پرده سینما آشنا کرد. در روزنامه بازپرس در این خصوص چنین آمده است:

مدت کوتاهی از پخش فیلم در سبزه میدان نگذشته بود که برای دومین بار، فیلم صامت دیگری در خیابان سپه بین مهمانخانه و مسجد جامع برای جمعی از رجال دولتی و سرشناسان شهر به نمایش درآمد. دکتر سید محمد دبیرسیاقی که در کودکی به همراه پدر و عموی خود در میان تماشاچیان حضور داشته است، در این باره می گوید: «در خیابان سپه بین مهمانخانه و مسجد جامع، محوطه ای حیاط مانند وجود داشت که به محل نمایش فیلم اختصاص داده شد. در این محوطه پرده سفیدی نصب کردند و دستگاه پخش فیلم را نیز در طبقه دوم عمارت مهمانخانه قرار دادند. نام فیلمی که در آن شب به نمایش درآمد «اختراع کاغذ بود» و تماشاگران در حالی نظاره گر فیلم بودند که دور تا دور محل نمایش فیلم با فانوس های روشن تزیین شده بود.

بنابر گفته محمد باقر آصف زاده، دست اندرکاران سینما سیار چندبار دیگر از تهران به قزوین آمدند و در ضلع شمالی غربی مسجد جامع پرده نصب کردند و در این محوطه فیلم نمایش دادند.

برگرفته از کتاب «تاتر و سینما در قزوین»

واژگان

نمداند به دهنش بذارد یا به دماغش؟

آدم پرخوری که با عجله و شتاب به خالی کردن سفره بپردازد و از سوی دیگر، فردی که پس از سالها حسرت کشیدن درباره ی امری، با رسیدن به آن خواسته از فرط شتاب زدگی آنرا نابود سازد، زیر مجموعه های معنایی این مثل به شمار می رود.

از کتاب دو بلبل روی شاخه های پسته نوشته مجید بالدران